



لال اول - فوق العاده شماره ۳ - شنبه ۹ بهمن ماه ۱۳۵۸ - تک شماره ۵ ریبال

اگر مشکل نبوده زندگی نبود. انسان متکامل از مشکلات استقبال نموده تا تجربه کسب نموده و تکامل بیشتر یابد، پس حال که انواع مشکلات برای همه کس و تاپایان عمر وجود دارد، جقدر درد آوراست که انسانی در مقابل آنها قدخم کند و یأس و ناامیدی بدل راه دهد.

مجاهد شهید فاطمه امینی

هجوم مسلحانه عوامل ارتجاع به

مرکز امداد پزشکی مجاهدین

از مهاجمین دستگیر شده گارت و مدارک عضویت در بعضی از کمیته‌ها، پاسداران انقلاب اسلامی، مدافعان توحید، شورای اسلامی گود نشین بدست آمد.

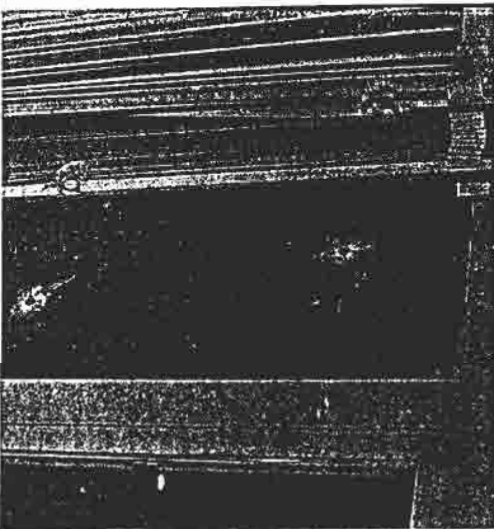


این حمله از طرف کمیته مرکزی انقلاب اسلامی محکوم شد. ولی آقای موسی خیابانی و مهدی ایرانشی قبلاً در صحنه ۲

بدین حال حمله سراسری ارتجاع به مراکز و هواداران سازمان مجاهدین خلق در رابطه با اعلام نامزدی ریاست جمهوری برادر مجاهدان مسعود رجوی مرکز امداد پزشکی مجاهدین خلق برای چندمین بار مورد حمله وحشیانه و مسلحانه متشی عناصر اوپاش چاق بدست قرار گرفت.

مهاجمین اینبار بطور ناچواری بردنهای در نیمه‌های شب و با استفاده از فاشیستی‌ترین شیوه‌های شکن، خواهران و برادران ما را مورد حمله و هجوم مسلحانه خود قرار دادند. مقاومت دلورانه و قهرمانانه خواهران و برادران ما در نیمه‌های شب و در زیر رگبار گلوله‌ها و ضربات چوب، چاق و قمه‌های مهاجمین که منجر به زخمی شدن تعدادی از آنها شد، پارذیگر این حقیقت را اثبات کرد که ما هرگز حتی در سخت‌ترین شرایط تسلیم منقلب زور و چاق و زور نخواهیم شد، و اجازه نخواهیم داد که شتی رجاله آلت دست امپریالیسم خون شهیدانمان را پایمال کرده و به انقلابمان خنده وارد کنند.

گواه اثبات این حقیقت بدنهای مجروح خواهران و برادرانی است که در مقابل حمله اوپاش مسلح به اسلحه سرد و گرم مقاومت کردند و باینکه مورد اصابت گلوله و چاق و چاق مهاجمین قرار گرفتند کوچکترین غلی در مقاومتشان ایجاد نشده و همچنان از خون شهیدان والا مقامان که امروز



آثار گلوله‌های افراد کمیته انقلاب اسلامی ۱۱ بر روی شیشه‌های اتاقی که بیماران در آن بستری بودند.

در حراست از مراکزمان تجلی می‌گردد پاسداری کردند و اکنون هم بعضی در بیمارستانها بستری هستند. حمله اخیر مهاجمین به مرکز امداد پزشکی ما عملاتی که فلا صورت گرفته بود کفایتنا تلاوت داشت. این مرتبه اوپاش با استفاده از کوشل و سه راهی و هم چنین اسلحه گرمی و در حمایت رگبار مسلحانه افراد بعضی کمیته‌ها ساختمان را مورد حمله خود قرار دادند.

مدارک بدست آمده از مهاجمینی که بداخل ساختمان حمله کرده و توسط هواداران ما دستگیر گردیدند، نشان دهنده عضویت آنها در بعضی کمیته‌ها می‌باشد.

همچنین در میان مدارک بدست آمده گارنی با نام شادمان توحید دیده می‌شود که حاکی از سازماندهی دقیق این اوپاش می‌باشد. آنها از این کارت برای شناسایی افراد خود در مواقع حمله به مراکز و اجتماعات نیروهای انقلابی استفاده می‌کردند.

پیرامون اخلاق اسلامی و بررسی آن در انتخابات:

هر طبقه و قشری از واژه‌های نظیر عدل و ظلم، حق و باطل، آزادی و... عملاتعیرات خاص خود را دارد.

مدهند. بخصوص که این دعوت از جانب امام صورت گرفته باشد. حداقل از کسانی که خود را سینه‌جاک امام یا به اصطلاح حرب‌اللیبی و انتالهم فطمداد میکنند انتظار داشتند که این دعوت امام را بدون هیچ برداشت انحرافی و بدون کشتن قسری به اجرا در بیاورند...

درست‌انه شلیقات انتخابات ریاست جمهوری امام خمینی گفتند: "من بسیار مایل هستم که گروهی هائی که متحد و متحد به جمهوری اسلامی و خدمتگذار به اسلام هستند در مبارزات انتخاباتی کمال آرامش را در تفریح کاندیداهایشان رعایت نمایند و نسبت به دیگر نظام و مسیبت و اغوت اسلامی داشته باشند..."

شهید دزدی سارقین سیاسی!! مرتجعین و فرصت طلبانی که از ارزشهای خلق شده توسط انقلاب بیون صدیق سود می‌جویند

اعلامیه گروهک به اصطلاح "مجاهدین" انقلاب اسلامی که به حق باید گفت سبیر ارتجاعیون به اصطلاح اسلامی در سبیر شهادت برادر مجاهدان مرتضی سده لایف می‌باشد. این گروه تازه از گرد راه رسیده کمانگاران بعد از انقلاب مجاهد ارباب برآمده و اساس وجودش را بر سناق سرق و آشکار از میرات و نام شهیدای خلق و سازمانهای دیگر بنیاد نهاده است این بار در لاس گرامیدانت تالوز

تتها محکوم کردن قضیه کانیست و مهمتر از این چگونه می‌خواهند شرکت اعضا خود را در این حملات توجیه کنند. آیا کمیته‌ها نمی‌توانند جلوی این حرکت‌های فاشیستی را بگیرند؟ همگان معتقدند که چرا!!

در رابطه با حمله اوپاش عمر روزیکشنبه ۵۸/۱۱/۷ در محل مراکمدان پزشکی مجاهدین صاحب مطبوعاتی با شرکت دو تن از رهبران مجاهدین خلق ایران موسی خیابانی و مهدی ایرانشی صورت گرفت که خبرنگاران شرکت‌کننده اسناد و مدارک گرفته‌شده از مهاجمین و همچنین آثار تیراندازی های آنها را بر در و دیوار محل امداد پزشکی مشاهده کردند. و ما این مصاحبه را ذیلاً می‌آوریم:

بعضی احزاب و دستجات و گروهک‌های تازه به دوزان رسیده که از خود مابه‌ای ندانند و ندارند می‌گویند تا در دیدن ارزشهای انقلابی خلق شده توسط انقلابیون صدیق شامی برای بازار خود فراهم آورند. تا شاید چند صاخی به دکان موافق‌فروشی خود رونق بختند.

ایشا همان احزاب و گروه‌های هستند که دفعتاً و فرصت طلبانه سرگی میکنند و در اندک زمانی خاموش و رهسار ریالمدان تاریخ میشوند. آنها

بقیه از صفحه اول

توضیحاتی داده به شولات مربوطه جواب میدهد. در ضمن مدارکی هم از این جریان بدست آمده که در اختیارشان میگذارند که میتواند، ببینند.

سخنان برادر مجاهد موسی خیابانی

با عرض سلام و تشکر از آقایان خبرنگاران: همانطور که برادرم توضیح داد این مصاحبه در رابطه با حمله و هجوم مسلحانه‌ای که مجدداً "دیشب" میان مرکز صورت گرفته. البته مسئله دیشب یک نمونه و یک مورد، از موارد متعددی است که تا حالا وجود داشته. بطور کلی ما در جریان انقلاب و بعد از پیروزی قیام یعنی در مدت یکسال اخیر متأسفانه با یک "دیده زشت، درجاخیز مان و در جریان انقلاب مواجه بودیم. و فکر می‌کنم همه با آن آشنا هستیم، بخصوص آقایان خبرنگاران که در جریان همه مسائل بوده‌اند. این همان جریان جفاکارانه است که عوامل اجرائی آن عناصر و افراد ناآگاه و یا اخیر شده تشکیل بدهند. و عمدتاً همان افراد لسن و اوراش و گاه ساواک‌ها هستند که مسلح به انواع اسلحه‌های سرد از قبیل چوب، چاق، زنجیر، قه، پنجمی‌گوشه و گاه همه مسلح به اسلحه‌های گرم مأموریت خود را انجام میدهند. در این یک سال اخیر در موارد زیادی با عملکرد هایشان روبرو بوده‌یم. اقدامات آنها معمولاً حمله به مراکز احزاب و گروه‌های سیاسی حمله به کتابخانه‌ها و کتاب فروشی‌ها و انجمن‌ها و تخریب و آتش زدن آنها و... حمله با اجتماعات و تظاهرات سیاسی و هم‌طور حمله و هجوم به افراد و عناصر مترقی و هواداران سازمان‌های سیاسی و انقلابی در هر کجا که دسترسی پیدا کرده‌اند و بطور مشخص در جریان فعالیت تبلیغاتی برای نازدهای ریاست جمهوری، در این حملات تنگ زدن و حتی کشتن. اقدامات این جفاکاران به یک نمونه و یا حتی چند نمونه محدود نیست بلکه آنقدر زیاد بود که بصورت یک جریان در آمده است. بطور قطع این پدیده زشت چهره انقلاب ما را واقعا زبردست کرده و این قابل تحمل نیست که در جریان یک انقلاب رهائی بخش، و بخصوص انقلابی که اسلامی هم باشد، ما با چنین پدیده‌هایی مواجه باشیم. بدون شک این جریان تصویر و شای نامطلوب، مخدوش، کدری را از انقلاب برداشته شده، زواریه پیش از ترسیم می‌کند و نیز چهره زشتی چهره عناصر متسل و بخصوص چهره رهبری انقلاب را مخدوش جلوه بدهد. بهر حال متأسفانه ما با این جریان روبرو بودیم. بطور مشخص بررسی‌هایی که ما داشتیم نشان داده که این عناصر که گاه "افراد اجیر شده‌ای هستند (در تحقیقاتی که داشتیم نتوجه شدیم. برخی از افرادی که در این حملات شرکت داشتند میثالی پول از جاهائی دریافت کرده‌اند، اینها با بقایای همان جفاکاران رژیم شاه هستند که الان درجه‌ی دیگری و در لباس دیگری خود را نشان میدهند، و بهر حال محافل ارتجاعی، محافل وابسته کسانی که در روند انقلاب، منافع و موقفیت‌های خودشان را از دست میدهند برای متوقف یا منحرف کردن انقلاب پشت سر این جریان قرار میگیرند. حتی برخی عناصر و اباید مستقیم امپریالیسم و وابستگهای سیا و بقایای ساواک با تکنیک‌های پیچیده‌تری، سر نخ این چاقی‌بندتها را بدست دارند. طبیعی است که نتیجه این اقدامات هم بدفع امپریالیسم و اباید و سر سربده‌ای آن بوده و مانع مکتوفی و رشد آزاد انقلاب میشود و باعث میشود که بارز خستون‌های گور و مشورت‌های ارتجاعی و ضدانقلابی در انقلاب وقفه و اخلاص بوجود آید. آری در این یکسال که از پیروزی قیام غفلان میگذرد با یک چنین پدیده‌ای با آن متأسفانه و با این آثار، متأسفانه و بسیار متأسفانه روبرو بودیم و هر شاهد بودیم که چگونه نیروهای ترغیبخواه سازمان‌ها و گروه‌های انقلابی مورد حمله و هجوم این جریان چاقی‌بندت قرار داشته‌اند!

هجوم مسلحانه عوامل ارتجاع به مرکز امداد پزشکی مجاهدین

xxx

ترتیب اثر داده نشد. تا اینکه دیشب مجدداً به اینجا حمله شد. اما این دفعه حملاتی بود کیفیتاً متفاوت، به طوری که اگر هوشتاری برادران ما نبود، ما در اینجا به احتمال زیاد ۲۰۰ نفر کشته می‌شدیم. البته یکی از برادران نیز خود به الان همراه با برخی دیگر از مجروحین این حمله در بیمارستان بستری است و غیر از آنهایی که در بیمارستان هستند تعداد دیگری از زخمی‌ها و سرکشتنها... همیشه بستری هستند که شا بعداً میتوانیم آنها را هم ببینیم. اما گزارش جریان حمله دیشب را برادرم برایمان توضیح میدهد.

عرض کردم برخی از دست‌اندر کاران این جریان بقایای همان ساواکی های سابق هستند، یک نمونه‌اش را در تشریح مجاهد چند شماره پیش نباید ملاحظه کرده باشید، در حمله بهمین مرکز امداد از فردی که با کلت به طرف ساختمان و افراد مستقر در آن نشانه گیری کرده بود عقرب گرفتیم و در تشریح مجاهد هم منعکس شد. بر اساس تحقیقاتی که بعداً کردیم و اطلاعاتی که دیگران با مشاهده این عکس در اختیار ما قرار دادند، معلوم شد که این فرد "تلا" عضو ساواک و "ظاهر" جزو نیمه‌ای تعقیب و مراقبت آن بوده ولی پس از قیام به عضویت یکی از کمیته‌ها وارد است. او بعداً همین فرد در حملات مختلف به مراکز ما و منجمله حمله به اینجا نقش فعالی به عهده می‌گیرد تا اینکه از او عکس گرفته شد. البته ما نتوانیم تحقیقاتمان را در اختیار کمیته‌ها و مراکز و مقامات مسئول قرار دادیم (من متأسفانه اسم و سوابق افراد فعالی این فرد را که البته با قاطعیت میتوان گفت از این دسته هستند همین یکی نبوده است). اما یکی از نیروهای که بطور مشخص مورد این تهاجمات قرار داشته، سازمان ما یعنی سازمان مجاهدین خلق بود. ما که در این یکسال با مکررات در مراکزمان، در ضمن مراسم و در اجتماعات هوادار سازمان و از جمله در همین مرکز امداد و مراکز ما در مورد فعالیت‌های آن توضیح میدهم، بارها مورد حمله و هجوم قرار گرفته‌ایم. ما اینکه دیشب در اینجا با یک هجوم مسلحانه واقعا وحشیانه روبرو شدیم و شا اکنون جای تیرها و اثرات تیرها را می‌بینیم. اینجا را به رگبار بستند، که جاهای آن همه، روی دیوارها، می‌توانید بعداً همه‌جا را ملاحظه کنید. همین چند روز پیش بود که یک نفر از هوادارهای سازمان از ضمن فعالیت‌های تبلیغاتی وحشیانه به شهادت رساندند منظوم برادر شهید عباس عثمانی است که ضمن بخش پوسترهای تبلیغاتی مورد هجوم این عناصر اوراش قرار گرفت و در اثر ضربات و جراحات وارده شهید شد.

گزارش کوتاهی از چگونگی حمله ارتجاع به مرکز امداد پزشکی

دیشب از حدود ساعت ۱۱:۰۰ مگر اطلاع میرسد که ایادی جفاکاران ارتجاع در هدفی که معمولاً متسلک و سازماندهی میشوند تا به اینجا و آنجا حمله کنند، دوباره جمع شدند و



نمای ساختمان امداد پزشکی مجاهدین و شمار گلوله‌های مرتجعین

یک میثی‌بوس که سرشتیانش عمدتاً با سار و محض برخی کمیته‌ها هستند از جنوب شهر (میدان خراسان) به منطقه جلوی سفارت آمده و همراه با دیگر مرتجعین که همواره به فعالیت های ضدانقلابی خودشان در آنجا ادامه می‌دهند، حرکت‌های مشکوک خودشان را شروع کرده‌بودند. بدینسان این اطلاع ما خودمان در بیمارستان مراقبت کردیم. در ضمن مراقبت متوجه شدیم که ماشین‌هایی که در حملات قبلی هم شرکت داشتند، در اینجا مرتب گشت می‌زنند و شناسائی می‌کنند. آنها سعی می‌کنند، شناسائی کنند که آیا نیرویی هست یا نیست و همچنین بررسی کنند که هنگام حمله از کجا شروع کنند و با چه کیفیتی، بالاخره از حدود ساعت ۱ چاقی داران در دستهای ۲۰۰ نفره، تقریباً دور ساختمان را محاصره کردند و برخی کلت کشیده بودند و در ضمن حال چوب و زنجیر داشتند از در و دیوار به داخل پریدند و در حالیکه نمره می‌زدند به سمت ساختمان هجوم آوردند. برادران قهرمان هوادار ما که از همان لحظه که احتمال حمله‌ی اینها می‌رفت تفریح کرده‌بودند، در آنجا کمال هوشیاری و فداکاری کردند و در ضمن جدیت سعی کردند که حمله مرتجعین را دفع کنند و آنها را از ساختمان بیرون بریزند. در اولی حمله‌ای که شد اینها با زور و سنگ، سعی کردند که ششما را ساختمان را مخصوص، طبقه دوم را که محل بستری کردن بیماران است، بشکنند. بهرحال هواداران ما نتوانستند

کمیته انقلاب اسلامی
مستاد منطقه ۱۰
برادر مصطفی موسی شهید گره‌نورد
مستاد منطقه ۱۰
کمیته انقلاب اسلامی
مستاد منطقه ۱۰
کمیته انقلاب اسلامی
مستاد منطقه ۱۰
کمیته انقلاب اسلامی
مستاد منطقه ۱۰
کمیته انقلاب اسلامی
مستاد منطقه ۱۰

هجوم مسلحانه عوامل ارتجاع به مرکز امداد پزشکی مجاهدین مقاومت و مجروح شدن خواهران و برادران ما بار دیگر این حقیقت را با اثبات رساند که ما هرگز در هیچ شرایطی تسلیم منطق ژاندارم و زور و چماق نخواهیم شد.

چقدر با نشانهگیری و در این مدت برتیا از شلیک می‌شده، که در این مدت ما شارا بلندگوهای خودشان می‌گفتند ما شارا می‌کنیم و بکفر را زنده باقی نمی‌گذاریم و از اینجا بیرون می‌کنیم.

در همین اثنا ما بازی می‌کردیم که با ستاد مرکزی تماس بگیریم، جریان و باوق را در حالیکه کنار دیوار بصورت درازکنی سنگر گرفته بودیم، که گلولهها با اصابت تک از پشت تلفن برای آنها می‌گفتیم و دقیقاً صدای تیر اندازی از پشت تلفن به گوش آنها هم می‌رسید و خودشان هم این سلسله را تأیید می‌کردند. ولی واقفاً تصحیح می‌کردیم که می‌گفتند اینها مردم هستند اما سدها و هزارها نفر هستند و ما کاری نمی‌توانیم بکنیم! اما خودتان دفاع کنید. ما برای آنها می‌گفتیم که اینها مسلح هستند در این شرایط جز افراد سواد و کمیته چکمی اجازه حمله مسلحانه دارد؟ آنهم بدین ترتیب که بدون هیچ دلیلی آشکارا از روی ساختمان شترکها و منازل به طرف اینجا تیراندازی کنند. شا جلولی اینها را بگیرند، اگر عنصر مسئولی هست، اگر حکمی دارید، اگر سالداری هست، اگر در مورد بازید اینجا کاری می‌خواهید انجام دهید بپایند بازید کنید. ضما می‌توانید بپایند حکمی را که بموجب این آن ساختمان برای امداد پزشکی بر مردم در اختیار ما قرار گرفته بپایند، سندش را ببینید، نامبند خودتان را بفرستید، ما صحبت می‌کنیم، ولی آنها جوابی که به ما می‌دادند دقیقاً مشخصی‌کننده این بود که می‌خواستند ساعده از سر خودشان بازکنند و خیلی بی‌تفاوت ساعده را طوری بزرگار کنند که این حمله مسلحانه، همانطور که عناصر مرتجع می‌خواهند شکل بگیرد و بهرچه که می‌خواهند بکنند.

آزادش کردیم، خودش با اسلحه داخل آمد و تیراندازی کرد و می‌گفت که من از بیرون هم تیراندازی کردم. ما با آنها گفتیم که شما کمیته‌ای هستید، پاسدار هستید، لاجتاً هم شخصی است و بپایند در کادر قانون صحبت کنید، چون کمیته جز ارگان های سیستم است، معلول است، چرا تیراندازی، چرا قتلگشی... ولی آنها می‌گفتند، ما نه کمیته ای هستیم، نه پاسدار و نه قانونی داریم که در چارچوبش کار کنیم، ما عناصر سوادکی هستیم که حمله کردیم و به اینجا می‌خواهیم اینجا را اشغال کنیم، بهرحال با برخورد های خیلی سگولانه و هوشیارانه هواداران قهرمانان، ما سعی کردیم از هرگونه شنج بیشتر جلوگیری کنیم، بچها کتک خوردند، قلم خوردند، چوب خوردند، بیشترین اصابتها به آنها شد ولی باز سعی کردند آرامش

تیراندازی کرد؛ مطالبی می‌بود که من می‌خواستم خدمت خواهران و برادران عرض کنم. اولاً سازمان مجاهدین در برخی نقاط کشور یک سری مراکز امداد پزشکی دارد که از جمله چند شعبه آن در تهران است. و شعبه‌هایی هم در سایر شهرها ستانها که همه آنها از طریق این شعبه مرکزی امداد اداره می‌شوند. این مراکز امدادمان در مواقع اضطراری نظیر سیل، زلزله و... به کمک مردم می‌توانند در موارد عادی به بیماران طبقات رنجبر و زحمتکش که توان مالی برای معالجات اولیه غیرجراحی ندارند خدمات درمانی ارائه می‌کنند. این ساختمان که الان در آن هستیم، همانطور که می‌دانید، ساختمان سابق کشفگاه هرسنگ زمبابوی از عناصر سازمان است. که در زمان انقلاب، مردم آنجا را اشغال کردند و ما باهدف مقدس تبدیل کردیم

می‌توانند توجه کنند. متأسفانه فردی که خودش را ملیس کرده به لباس روحانیت، فرد روحانی، که در همه جاها برودار هتاک و نجاشی و انواع اقسام تبلیغات غیر انسانی بر علیه سازمان هست، و برای ما کاملاً شناخته شده است، دست‌اندرکار ترتیب دادن این تهاجمات است، که برخی از افراد و ابادیست هم در این جریانات شناسایی شده‌اند. و همین افراد بودند که این کارتها را که برادرمان اشاره کرد که بعد از اشغال می‌بایست هرازه داشته باشند چاپ کرده، نمونه کارتها همایش هست. همانطور که اشاره شد، افراد کمیته ستاد ۴ منطقه ۴ دست‌اندرکار این جریانند و ماورن سپاه پاسداران منطقه ۴ که این جریانات را ترتیب می‌دهد و حتی به ابداعاتی که از مأموریتها ارتجاعی و ضدانقلابی‌شان موفق باز می‌گردند، مثلاً نظیر دیده‌بانه و چاق و دسته چاپزده می‌دهد!

ما به دلیل اینکه اعتقاد داریم این تهاجمات صرفاً تهاجم به یک فرد و یک سازمان نیست (اگر چه نوبت بپایان رساندن آنهاست ما می‌باشد) بلکه تهاجم بر علیه هر نوع ترقی خواهی هرگونه آزادی و آزادیخواهی می‌باشد بدلیل اینکه سوابق سازمان ما کاملاً مشخص و نقش در انقلاب معلوم است.

ما از آغاز انقلاب تاکنون یک تیر شلیک نکردیم. یک فنگ هدر ندادیم. و تمام رفتار ما همانطور که در دوران اشغال با من مشخص بود بسیار سیر و بردباری انقلابی ما است. آنها هیچگونه دستسگی هم در دست ندارند. ما با ستاد پاسداران منطقه ۴ هم تهاجم را بهیچ عنوان، با فشار و اوباش و جانفردان آزادیخواهی حمله نمی‌کنیم و به این دلیل است که ما این حملها، صرها، کشته‌دادنها، شهیددادنها را، مقاومت بخاطر پاسداری از آزادی و دموکراسی می‌دانیم، چرا که ما متقدم بعد از ما نوبت هر نهاد ترقی خواه دیگری است، چراکه عناصر مرتجع هرچا بوئی ترقی خواهی و انقلاب استعما کنند پست آن حمله خواهند کرد. کمالی که الان هم هرچا دستشان برسد می‌کنند ولی طبیعی است که یک بیک پیش خواهند رفت.



تصمیم خانواده‌های مجروحین حملات ارتجاع و خانواده‌های مجاهدین خلق و هواداران در اعتراض به صلاات وحشیانه قاتلان

خودشان را حفظ کنند، این عناصری که واقفیتت نمی‌شود روی رفتارشان حساب کرد، ولی هرگزود ما با آنها طوری بود که بیشتر از این وضع متشنج نبود.

بهرحال این ساله تا حدود ۶ صبح ادامه پیدا کرد. در این مدت آنجا حتی از نماز خواندن بچها جلو گیری نکردیم.

حدود ساعت ۶ عده خیلی بیشتری از هواداران اولی در گرد آمدند و با شاره‌های گلوله اکبر و با شاره‌های برگ بر ارتجاع، اسلام پیروز است، ارتجاع نابودست، جلوی در جمع کردند و این عناصر که در تنگنا گیر کرده بودند و هرآن امکان داشت که آمدن هواداران از بیرون و تو آنها را غائلگی کرده و دستگیرشان کنیم، و با عنصر مسئولی پیدکنیم و آنها را تحویل بدهیم، خودشان متوجه شدند که در بد خصمانی گیر کردند. با اینحال ما باز برای اینکه شنج بیشتری ایجاد نشود و سال بیشتری بوجود نیاید، سعی کردیم که هواداران را توجیه کنیم، از آنها درخواست کردیم، که اجازه بدهند این عناصر مرتجع را علیرغم ماهیتشان علیرغم تباری و مشرکری هایشان از ساختمان بیرون فرستیم.

بهرحال حدود ساعت ۷ بود که ما توانستیم بیرون را یک مقدار آرام کنیم و وضعی مرتب کنیم و اینها را از ساختمان بیرون ببریم و آنها رفتند و چیزی که باقی گذاشتند یک ساختمان مخربه پر از آثار تیراندازی و تخریب زدانه‌ها و کارهای وقیحانه‌ای که بیانگر ماهیتشان بود.

ما هرگز در این مدت چیزی را ندادیم. ما با ستاد پاسداران منطقه ۴ هم تهاجم را بهیچ عنوان، با فشار و اوباش و جانفردان آزادیخواهی حمله نمی‌کنیم و به این دلیل است که ما این حملها، صرها، کشته‌دادنها، شهیددادنها را، مقاومت بخاطر پاسداری از آزادی و دموکراسی می‌دانیم، چرا که ما متقدم بعد از ما نوبت هر نهاد ترقی خواه دیگری است، چراکه عناصر مرتجع هرچا بوئی ترقی خواهی و انقلاب استعما کنند پست آن حمله خواهند کرد. کمالی که الان هم هرچا دستشان برسد می‌کنند ولی طبیعی است که یک بیک پیش خواهند رفت.

ما به دلیل اینکه اعتقاد داریم این تهاجمات صرفاً تهاجم به یک فرد و یک سازمان نیست (اگر چه نوبت بپایان رساندن آنهاست ما می‌باشد) بلکه تهاجم بر علیه هر نوع ترقی خواهی هرگونه آزادی و آزادیخواهی می‌باشد بدلیل اینکه سوابق سازمان ما کاملاً مشخص و نقش در انقلاب معلوم است.

ما از آغاز انقلاب تاکنون یک تیر شلیک نکردیم. یک فنگ هدر ندادیم. و تمام رفتار ما همانطور که در دوران اشغال با من مشخص بود بسیار سیر و بردباری انقلابی ما است. آنها هیچگونه دستسگی هم در دست ندارند. ما با ستاد پاسداران منطقه ۴ هم تهاجم را بهیچ عنوان، با فشار و اوباش و جانفردان آزادیخواهی حمله نمی‌کنیم و به این دلیل است که ما این حملها، صرها، کشته‌دادنها، شهیددادنها را، مقاومت بخاطر پاسداری از آزادی و دموکراسی می‌دانیم، چرا که ما متقدم بعد از ما نوبت هر نهاد ترقی خواه دیگری است، چراکه عناصر مرتجع هرچا بوئی ترقی خواهی و انقلاب استعما کنند پست آن حمله خواهند کرد. کمالی که الان هم هرچا دستشان برسد می‌کنند ولی طبیعی است که یک بیک پیش خواهند رفت.

ما به دلیل اینکه اعتقاد داریم این تهاجمات صرفاً تهاجم به یک فرد و یک سازمان نیست (اگر چه نوبت بپایان رساندن آنهاست ما می‌باشد) بلکه تهاجم بر علیه هر نوع ترقی خواهی هرگونه آزادی و آزادیخواهی می‌باشد بدلیل اینکه سوابق سازمان ما کاملاً مشخص و نقش در انقلاب معلوم است.

ما از آغاز انقلاب تاکنون یک تیر شلیک نکردیم. یک فنگ هدر ندادیم. و تمام رفتار ما همانطور که در دوران اشغال با من مشخص بود بسیار سیر و بردباری انقلابی ما است. آنها هیچگونه دستسگی هم در دست ندارند. ما با ستاد پاسداران منطقه ۴ هم تهاجم را بهیچ عنوان، با فشار و اوباش و جانفردان آزادیخواهی حمله نمی‌کنیم و به این دلیل است که ما این حملها، صرها، کشته‌دادنها، شهیددادنها را، مقاومت بخاطر پاسداری از آزادی و دموکراسی می‌دانیم، چرا که ما متقدم بعد از ما نوبت هر نهاد ترقی خواه دیگری است، چراکه عناصر مرتجع هرچا بوئی ترقی خواهی و انقلاب استعما کنند پست آن حمله خواهند کرد. کمالی که الان هم هرچا دستشان برسد می‌کنند ولی طبیعی است که یک بیک پیش خواهند رفت.

بهرحال نکته آخری که شاید به نباشد به آن اشاره کنیم اینستکه چرا در این شرایط و در این روزها، یک چنین حملهای صورت می‌گیرد؟ واقفاناً اگر وقت برادران ما نبود، واقفاناً می‌توانست تلفات زیادی بجای بگذارند آری بعد از انتخابات، این حملات و هجومها را نیروهای مرتجع، نیروهای عقبمانده، نیروهای میر نده که واقفاناً خودشان را می‌بینند و بطور مشخص از نتیجه انتخابات هم دلخواهی هستند، اولاً بقصد ایجاد بلوا و آشوب و یک چنین حرکتی از ابراه انداختند و در ثانی من تصور می‌کنم که اینها بطور مشخص قصد لطمه زدن به شخص امام را دارند، چرا چون بدیهی است که، در شرایطی که امام دچار کالت هستند، که ما امیدواریم همانطور که قبلاً هم دعا کردیم و آرزو کردیم هرچه زودتر سلاستی خودشان را بپازایند، در یک چنین شرایطی که امام طالب آرامش مسلکت هستند، این عناصر دست به چنین اقدام وحشیانه می‌زنند و ساختمان و همه افراد را زیر و بار می‌گیرند، فرض کنید اگر دیروز در اینجا ۱۰ نفر، ۱۵ نفر یا بیشتر خدای تل کرده گشته می‌شدند این خبر به امام می‌رسید چه تاثیر روی امام می‌گذاشت؟! آنگاه یک شایه ای امام نامعلوم در سلامت امام می‌گذاشت؟

بهرحال فکر می‌کنم اینها، بطور مشخص قصد دارند که به شخص امام چه به لحاظ جسمانی و چه به لحاظ شخصیتشان لطمه بزنند، چرا که طبیعی است وقتی که نمکس بنود در همان زمان که امام در تهران حضور دارد، و بیک مرکز امداد پزشکی یک چنین حمله وحشیانه‌ای شده و احیاناً افرادی که سوابق مبارزاتی داشته‌اند و بر علیه رژیم شاه جنگیدند، بی‌گناه بدست مثنی اوباش در اینجا کشته شده‌اند، این به لحاظ سیاسی فاعلتا کمترین مظلومی نخواهد بود. لذا فکر می‌کنم که با پاسخی چیره‌زانی پشت این قضا خواهد بود.

بهرحال نکته آخری که شاید به نباشد به آن اشاره کنیم اینستکه چرا در این شرایط و در این روزها، یک چنین حملهای صورت می‌گیرد؟ واقفاناً اگر وقت برادران ما نبود، واقفاناً می‌توانست تلفات زیادی بجای بگذارند آری بعد از انتخابات، این حملات و هجومها را نیروهای مرتجع، نیروهای عقبمانده، نیروهای میر نده که واقفاناً خودشان را می‌بینند و بطور مشخص از نتیجه انتخابات هم دلخواهی هستند، اولاً بقصد ایجاد بلوا و آشوب و یک چنین حرکتی از ابراه انداختند و در ثانی من تصور می‌کنم که اینها بطور مشخص قصد لطمه زدن به شخص امام را دارند، چرا چون بدیهی است که، در شرایطی که امام دچار کالت هستند، که ما امیدواریم همانطور که قبلاً هم دعا کردیم و آرزو کردیم هرچه زودتر سلاستی خودشان را بپازایند، در یک چنین شرایطی که امام طالب آرامش مسلکت هستند، این عناصر دست به چنین اقدام وحشیانه می‌زنند و ساختمان و همه افراد را زیر و بار می‌گیرند، فرض کنید اگر دیروز در اینجا ۱۰ نفر، ۱۵ نفر یا بیشتر خدای تل کرده گشته می‌شدند این خبر به امام می‌رسید چه تاثیر روی امام می‌گذاشت؟! آنگاه یک شایه ای امام نامعلوم در سلامت امام می‌گذاشت؟

بهرحال فکر می‌کنم اینها، بطور مشخص قصد دارند که به شخص امام چه به لحاظ جسمانی و چه به لحاظ شخصیتشان لطمه بزنند، چرا که طبیعی است وقتی که نمکس بنود در همان زمان که امام در تهران حضور دارد، و بیک مرکز امداد پزشکی یک چنین حمله وحشیانه‌ای شده و احیاناً افرادی که سوابق مبارزاتی داشته‌اند و بر علیه رژیم شاه جنگیدند، بی‌گناه بدست مثنی اوباش در اینجا کشته شده‌اند، این به لحاظ سیاسی فاعلتا کمترین مظلومی نخواهد بود. لذا فکر می‌کنم که با پاسخی چیره‌زانی پشت این قضا خواهد بود.

بهرحال این ساله تا حدود ۶ صبح ادامه پیدا کرد. در این مدت آنجا حتی از نماز خواندن بچها جلو گیری نکردیم.

حدود ساعت ۶ عده خیلی بیشتری از هواداران اولی در گرد آمدند و با شاره‌های گلوله اکبر و با شاره‌های برگ بر ارتجاع، اسلام پیروز است، ارتجاع نابودست، جلوی در جمع کردند و این عناصر که در تنگنا گیر کرده بودند و هرآن امکان داشت که آمدن هواداران از بیرون و تو آنها را غائلگی کرده و دستگیرشان کنیم، و با عنصر مسئولی پیدکنیم و آنها را تحویل بدهیم، خودشان متوجه شدند که در بد خصمانی گیر کردند. با اینحال ما باز برای اینکه شنج بیشتری ایجاد نشود و سال بیشتری بوجود نیاید، سعی کردیم که هواداران را توجیه کنیم، از آنها درخواست کردیم، که اجازه بدهند این عناصر مرتجع را علیرغم ماهیتشان علیرغم تباری و مشرکری هایشان از ساختمان بیرون فرستیم.

بهرحال حدود ساعت ۷ بود که ما توانستیم بیرون را یک مقدار آرام کنیم و وضعی مرتب کنیم و اینها را از ساختمان بیرون ببریم و آنها رفتند و چیزی که باقی گذاشتند یک ساختمان مخربه پر از آثار تیراندازی و تخریب زدانه‌ها و کارهای وقیحانه‌ای که بیانگر ماهیتشان بود.

بهرحال این ساله تا حدود ۶ صبح ادامه پیدا کرد. در این مدت آنجا حتی از نماز خواندن بچها جلو گیری نکردیم.

حدود ساعت ۶ عده خیلی بیشتری از هواداران اولی در گرد آمدند و با شاره‌های گلوله اکبر و با شاره‌های برگ بر ارتجاع، اسلام پیروز است، ارتجاع نابودست، جلوی در جمع کردند و این عناصر که در تنگنا گیر کرده بودند و هرآن امکان داشت که آمدن هواداران از بیرون و تو آنها را غائلگی کرده و دستگیرشان کنیم، و با عنصر مسئولی پیدکنیم و آنها را تحویل بدهیم، خودشان متوجه شدند که در بد خصمانی گیر کردند. با اینحال ما باز برای اینکه شنج بیشتری ایجاد نشود و سال بیشتری بوجود نیاید، سعی کردیم که هواداران را توجیه کنیم، از آنها درخواست کردیم، که اجازه بدهند این عناصر مرتجع را علیرغم ماهیتشان علیرغم تباری و مشرکری هایشان از ساختمان بیرون فرستیم.

بهرحال حدود ساعت ۷ بود که ما توانستیم بیرون را یک مقدار آرام کنیم و وضعی مرتب کنیم و اینها را از ساختمان بیرون ببریم و آنها رفتند و چیزی که باقی گذاشتند یک ساختمان مخربه پر از آثار تیراندازی و تخریب زدانه‌ها و کارهای وقیحانه‌ای که بیانگر ماهیتشان بود.

ما به دلیل اینکه اعتقاد داریم این تهاجمات صرفاً تهاجم به یک فرد و یک سازمان نیست (اگر چه نوبت بپایان رساندن آنهاست ما می‌باشد) بلکه تهاجم بر علیه هر نوع ترقی خواهی هرگونه آزادی و آزادیخواهی می‌باشد بدلیل اینکه سوابق سازمان ما کاملاً مشخص و نقش در انقلاب معلوم است.

ما از آغاز انقلاب تاکنون یک تیر شلیک نکردیم. یک فنگ هدر ندادیم. و تمام رفتار ما همانطور که در دوران اشغال با من مشخص بود بسیار سیر و بردباری انقلابی ما است. آنها هیچگونه دستسگی هم در دست ندارند. ما با ستاد پاسداران منطقه ۴ هم تهاجم را بهیچ عنوان، با فشار و اوباش و جانفردان آزادیخواهی حمله نمی‌کنیم و به این دلیل است که ما این حملها، صرها، کشته‌دادنها، شهیددادنها را، مقاومت بخاطر پاسداری از آزادی و دموکراسی می‌دانیم، چرا که ما متقدم بعد از ما نوبت هر نهاد ترقی خواه دیگری است، چراکه عناصر مرتجع هرچا بوئی ترقی خواهی و انقلاب استعما کنند پست آن حمله خواهند کرد. کمالی که الان هم هرچا دستشان برسد می‌کنند ولی طبیعی است که یک بیک پیش خواهند رفت.

ما به دلیل اینکه اعتقاد داریم این تهاجمات صرفاً تهاجم به یک فرد و یک سازمان نیست (اگر چه نوبت بپایان رساندن آنهاست ما می‌باشد) بلکه تهاجم بر علیه هر نوع ترقی خواهی هرگونه آزادی و آزادیخواهی می‌باشد بدلیل اینکه سوابق سازمان ما کاملاً مشخص و نقش در انقلاب معلوم است.

ما از آغاز انقلاب تاکنون یک تیر شلیک نکردیم. یک فنگ هدر ندادیم. و تمام رفتار ما همانطور که در دوران اشغال با من مشخص بود بسیار سیر و بردباری انقلابی ما است. آنها هیچگونه دستسگی هم در دست ندارند. ما با ستاد پاسداران منطقه ۴ هم تهاجم را بهیچ عنوان، با فشار و اوباش و جانفردان آزادیخواهی حمله نمی‌کنیم و به این دلیل است که ما این حملها، صرها، کشته‌دادنها، شهیددادنها را، مقاومت بخاطر پاسداری از آزادی و دموکراسی می‌دانیم، چرا که ما متقدم بعد از ما نوبت هر نهاد ترقی خواه دیگری است، چراکه عناصر مرتجع هرچا بوئی ترقی خواهی و انقلاب استعما کنند پست آن حمله خواهند کرد. کمالی که الان هم هرچا دستشان برسد می‌کنند ولی طبیعی است که یک بیک پیش خواهند رفت.

ما به دلیل اینکه اعتقاد داریم این تهاجمات صرفاً تهاجم به یک فرد و یک سازمان نیست (اگر چه نوبت بپایان رساندن آنهاست ما می‌باشد) بلکه تهاجم بر علیه هر نوع ترقی خواهی هرگونه آزادی و آزادیخواهی می‌باشد بدلیل اینکه سوابق سازمان ما کاملاً مشخص و نقش در انقلاب معلوم است.

ما از آغاز انقلاب تاکنون یک تیر شلیک نکردیم. یک فنگ هدر ندادیم. و تمام رفتار ما همانطور که در دوران اشغال با من مشخص بود بسیار سیر و بردباری انقلابی ما است. آنها هیچگونه دستسگی هم در دست ندارند. ما با ستاد پاسداران منطقه ۴ هم تهاجم را بهیچ عنوان، با فشار و اوباش و جانفردان آزادیخواهی حمله نمی‌کنیم و به این دلیل است که ما این حملها، صرها، کشته‌دادنها، شهیددادنها را، مقاومت بخاطر پاسداری از آزادی و دموکراسی می‌دانیم، چرا که ما متقدم بعد از ما نوبت هر نهاد ترقی خواه دیگری است، چراکه عناصر مرتجع هرچا بوئی ترقی خواهی و انقلاب استعما کنند پست آن حمله خواهند کرد. کمالی که الان هم هرچا دستشان برسد می‌کنند ولی طبیعی است که یک بیک پیش خواهند رفت.

ما به دلیل اینکه اعتقاد داریم این تهاجمات صرفاً تهاجم به یک فرد و یک سازمان نیست (اگر چه نوبت بپایان رساندن آنهاست ما می‌باشد) بلکه تهاجم بر علیه هر نوع ترقی خواهی هرگونه آزادی و آزادیخواهی می‌باشد بدلیل اینکه سوابق سازمان ما کاملاً مشخص و نقش در انقلاب معلوم است.

ما از آغاز انقلاب تاکنون یک تیر شلیک نکردیم. یک فنگ هدر ندادیم. و تمام رفتار ما همانطور که در دوران اشغال با من مشخص بود بسیار سیر و بردباری انقلابی ما است. آنها هیچگونه دستسگی هم در دست ندارند. ما با ستاد پاسداران منطقه ۴ هم تهاجم را بهیچ عنوان، با فشار و اوباش و جانفردان آزادیخواهی حمله نمی‌کنیم و به این دلیل است که ما این حملها، صرها، کشته‌دادنها، شهیددادنها را، مقاومت بخاطر پاسداری از آزادی و دموکراسی می‌دانیم، چرا که ما متقدم بعد از ما نوبت هر نهاد ترقی خواه دیگری است، چراکه عناصر مرتجع هرچا بوئی ترقی خواهی و انقلاب استعما کنند پست آن حمله خواهند کرد. کمالی که الان هم هرچا دستشان برسد می‌کنند ولی طبیعی است که یک بیک پیش خواهند رفت.

پس از این گزارش برادر مجاهد مهدی ابریشمی عضو کادر رهبری سازمان مجاهدین خلق مطالبی به این

سخنان برادر مجاهد مهدی ابریشمی چی:

پیرامون اخلاق اسلامی و بررسی آن در انتخابات : ارزشهای اصیل اخلاق اسلامی مجرد از شرایط اجتماعی و بی رابطه با موضع گیریهای سیاسی - اجتماعی افراد و گروهها نیست .

تأثیر پایگاه طبقاتی در رفتار و ارزشها

میدانیم که جامعه یک وضعیت عینی است که قانونندیش و روابط خاص خود را دارد. همین دلیل هم نمیتوان بر اساس ذهنیات و تخیلات فردی یا گروهی که تصور و تفسیرهای من در آرزوی در صورت پدیدها و تحولات جامعه دلخوش کرد. کما اینکه هر روز در پرتو دستاوردهای علمی و انقلابی طیف وسیع نظریات فیراقتی تاریخ اجتماعی ما در نظر آید چه اختلافات ذهنی بشر دورتر میشود. در اینجا ما قصد بررسی اینگونه دیدگاهها را نداریم، اما معتقدیم اشاره میکنیم که هر نظریه از مکتب اصلی خودی که چه نظر آید چه مکتب برخورد انقلابی و واقع گراییهای با سبایل انسانی و اجتماعی داشته اند، فرهنگ بشری تا همین اواخر اساساً فاقد دیدگاههای اصولی در این زمینه بود. همین جهت حرکتها و تحولات جوامع هم در عین حال با انقلابات عمر حاضر عیناً آگاهانه صورت نمیگرفت. بزگی دوران ما که بحق عصر کسب آگاهی نام گرفته است که نه تنها نابودی امپریالیسم بلکه پیروزی نهائی سوسیالیسم و همسنگان را در چشم اندازد. مبارزات دیگر در آینده میزنند به پیروم واقعی سواد نه آگاه هستند و نه پاینده! اینها کسانی که پیش و اولیولوزی و حرکتشان منادی این جنبش بزرگ تاریخی بلحاظ شرایط ذهنی جو در پرتو شناخت صحیح و همه

جانیه از مسائل و فیلونندیشهای اجتماعی امکان ناپذیر نیست! طبیعتاً این شناخت هم در کارگردانیدولوزی و جهان بینی واقع گراییه و انقلابی حاصل میشود. از بدیهی ترین و ابتدائی ترین این واقعیت - که بدون شناخت آنها نمیتوان مسائل پیچیده اجتماعی را درک کرد- نشاء منابع طبقاتی و درگیری و مبارزه با آنهاست. شاید این ساله بدیهی بنظر برسد، اما وقتی صحبت از الزامات و بازتابهای مثبت وجود طبقات مختلف میشود، میبینیم که تنها پیژورتیبرترین اکثریتین انقلابیون به عین واقعیت رسوخ کرده و فقط آنها قادرند همه حقیقت را ببینند و براساس آن عمل کنند. توضیح اینکه: کمتر کسی میتواند این اختلافات طبقاتی را در مواجهه نظیر جامعه خودمان بشود. و باز کمتر کسی مدافع وضع موجود بوده و از تبعیضات و نابرابریها حمایت میکند. ولی در همین حال درک عمیق ساله طبقات اجتماعی، تصادفهای طبقاتی، عملکردها و نمودهای طبقاتی، ارزشها و فرهنگ طبقاتی و بالاخره شرایط هر یک از طبقات از میده همه افراد خارج است. حتی بسیاری از عناصر و جریانهایی که در این سوات میزنند به پیروم واقعی سواد نه آگاه هستند و نه پاینده! اینها کسانی که پیش و اولیولوزی و حرکتشان منادی این جنبش بزرگ تاریخی بلحاظ شرایط ذهنی جو در پرتو شناخت صحیح و همه

از این گذشته مگر ما آنها را مجبور به کار کردن نموده ایم؟ آنها آزادند که هر کما که میخواهند بزنند. مگر نه اینکه آنها کار از ما داشتند؟ ما که از رفتن آنها ضرری نمی بینیم. هزاران کارگر بیکار آرزو دارند دستشان به کاری بند شود!! و از این قبیل ... و اما اگر از فقر و تهی دستی کارگران در مقابل ثروت و سود بیکران آنها صحبت شود، بدون شک این ساله راکلا غایب و متروغ تلقی میکنند. بزم آنها مگر نه اینکه سرمایهها و استعدادهای خود را در راه تولید و بیفرتنه جامعه و نجات زندگی بیکران بکار انداخته اند؟ پس حق دارند از سودهایی اجتماعی هم برخوردار شوند، از این گذشته بی استعدادی و تسلی دیگران به آنها چه مربوط؟! آیا چنین عناصری حاضرند اتهام دردی و چاییدن کارگران زمختی را بپذیرند؟ هرگز. بفره هم در اختلافات آنها "زدی" امر غیر اخلاقی محسوب شود. عمل خودشان را "زدی" نمیدانند. حاکمتر، در جبهه های اخلاق طبقاتی آنها چاییدن کارگر وقتی است که از مزد مقرر کارگر حقیقت مقداری را نبردند مثلا ۲۹ تومان بپردازند و ۵۰ تومان حساب کنند!! از این قبیل ... درحالی که میدانیم سودهایی کلان سرمایه داران همان ارزشهای اخلاقی ما در دسترس برداشت شده کارگران است و متونایی جز غارت نمایی ارزشهای انسانی و سایرهای اخلاقی اینگونه سواد استفاده و تحریف را میگردند. مگر جز این است که هر طریقه و قوتی از او را برای غارت عمل و ظلم، حق و باطل، آزادی نظری و عملی، برابری و تبعیض و ... مصادف خاص خود را دارد؟ البته در این مقاله قصد ورده به تئوری اخلاق و تشریح تفاوت این تئوری در دیدگاههای مختلف را نداریم. همسند اشاره میکنیم که مثلا از نظر ما در پیش توحدی بر خلاف دیدگاه ماتریالیستی، اولاً تاثیر طبقه طبقاتی نیست، بعداً عینا که اصول اخلاقی صرفا بدون طبقه و بدون یکجانبه در رابطه با تحلیل نمیشوند تا این ارزشهای اخلاقی در جوهر خودشان اعتباری و گذرا نیستند. با بهیاب فلسفی ریشه وجود نشانمان آنها تحورات و موهوبات ذهنی بشر نیست بلکه از متن واقعیت هستی میسرند. اما باز بر اساس همین دیدگاه توحدی ارزشهای اصیل اخلاقی و مشخصا اخلاق اسلامی، مجرد و متنوع از شرایط اجتماعی و طبقاتی و پیروم و بی رابطه با موفسگیریهای سیاسی - اجتماعی افراد و گروهها نیست. به عبارت دیگر بسته به اینکه فرد در خدمت چه طبقه و در رابطه با چه جریان سیاسی و ... باشد میتوان تفاوت کرد که آیا معتقد و ملزم به رعایت اخلاق اسلامی است یا نه. بعضی که هیچ کمبودی در ادعا و ظاهر به این ارزشها نداشته باشد. این واقعیت از آنجا ناشی میشود که در جوامع طبقاتی هر طبقه و نمایندگان آن شافع خاص خود را دارند که اساسا با منابع طبقه و طبقات و تفاوت و بر بسیاری موارد متضاد است. بعضی هم تاریخی شان بهیاب رسیده و اینها ندانند، بعضی در نیمه راه هستند اما با نند تدریس طبقاتی و نیروها آینده سازگاری و در چمنند از دارند. لذا طبیعتی است که هر کدام بخاطر دفاع از شافع، ارزشها و آرمانهای خود با دیگر نیروها ستیزند و در این میان نیروهای بیرونی بخاطر دفاع از موجودیت خود سد راه توحدی جامعه و مانع آزادی خلق و پیروزی زمینگشان میشوند تا شاید بتوانند اعتراضشان را طولانی تر کنند! سایرین اما میتوان از آنجا انتظار داشت که با اخلاق اسلامی وفادار باشند؟ بدون شک مرتجعین چاره ای جز تبت به ردیالترین شیوهها و ضد انسانی ترین حراکات علیه اصیل ترین نیروهای انقلابی ندارند. آنها مذیومانه گمانداری میکنند تا شاید حراکات متوقف کنند. اما سرمایه ها همه سنگبایه های خودشان خواهد خورد. در طرف مقابل نیروهایی هستند که سبتر آزادی مردم و نگار نگار جامعه بوده و بخاطر جز خود ستیزان نابودی همه نابرابریها می جنگند مگر اخلاقی اصیل اسلامی لازمه چنین آرمانهایی نیست؟ و چه کسانی جز انقلابیون

حمايين ارتجاع در ارزشهاى حاكم

صرفنظر از دلایل ماهوی و طبقاتی، یکی از عوامل مهم گسترش مفکردهای ارتجاعی در جریانات انقلابی، بازبودن میدان مایور مرتجعین بود. دست آخر قطعی حاکم است که سبتم تماماً و جبراً انقلابی و اسلامی باشد آنگاه عدم تریسبتهای دولتی و مسموی شدت اعتراض پاینده مرتجعین حمل کنند؟! چگونه قابل تصور است که در یک سبتم واقفا انقلابی، مرتجعین آزادانه دهیاب و صداهای آن طرفداران کاندیدهای انقلابی را مهربوب و مرحوب کنند حتی تا آنجا برسانند که زیر شکسته بوقل برسانند ولی آرگانهای مسئول نه تنها در برابر نظر خواهی قربانیان عم به ایور نیاورند بلکه تازه خودشان هم به دستگیری و بازداشت قربانیان برده اند؟! واقعیت اینست که وقتی جاسوسان امریکایی می توانند در سبتم نفوذ کنند و تا وقتی بسیاری در سرشنهها بدون مرتجعین است خلی بخش خیال باید باشیم اگر بشتر کنیم این عملیات مصادفایی بدون پشتوانه قدرت حاکم صورت میگیرد. آیا تصادفی است که در جواب بسیاری از این مقامات برخی عقابات بیروزی سندان می کوبند که از خود شما (مجاهدین) است که "مردم" را عصبانی کرده اند؟! تازه این مختصر دم غروب است که در برای اعلام تپاهی و انقلابیگری آنها هویدا شده بدیهبست که این واقعیت نیز از همان فاعده کلی درگیری و سازره نیروهای ما بعد متضاد ناشی می شود منتهی شکل بروز آن و میدان مایور هر یک از این نیروها بستگی به مرحله انقلاب و مشخصا حاکمیت هر کدام از آنها دارد. طبیعتاً یک رژیم فیرانقلابی شایع تلاش اینست که انقلابیون را از سمنه خارج کند و متغایله سیدان را برای فرصت طلبان، مرتجعین و انقلابیون بعد از انقلاب باز میگذارد. برعکس یک رژیم انقلابی سبب وجهه نی تواند با پایگاههای امیراب- لیزوم از ارتجاعیها با سازگار از در آشتی درده، چه رسد به اینکه انقلابیون را بدست آنها قربانی کند و چنین سبستی است که مرتجعین و ضدانقلابیون سرما راه زوال می یابند. چگونه در فرحال زوال سبترتوت محتمم آنهاست اگرچه بطور مطلق تسلط پاینده و همه چیز را انحصارطلبانه تصاحب کنند. اقلیم پیرونی لاری

یک خبر از اصفهان !!

کشنگی با "مجاهد" سر و کار دارند بخوبی آنگاه که چشمگاریان بر سر راه رسیدن آن بدست میروند تا وجود دارد. چرا که ما از گذشته و حال فقط و فقط قهرورویای خودمان ایستادیم اما مثل آن اهزایها که بعد از انقلاب مانند قارچ سبز شده و تمامی انگشازها را خلی محرم را بخودشان اختصاص دادند از انگشازت وسیع چاب و پیش بر خودشان نیستیم و سایرین باید تمامی انگشازت خلقی را در این راه بسج کنیم. و الحق که خواران و برادران ما از هیچ گوششی فروگذار نکرده و نمیکنند. و برایتی که فدالگریهایشان در جور ستایش است. اکنون دیگر تقریباً همه میدانند که خواران و برادران ما در شب و روز سرما و گرما و ... با چه مشکلاتی روبرو هستند. از کتک خوردن و فحش

کشنگی با عمل قهرمانانه! حمله به انجمن جوانان مشرف بود است. طبق روال نشریه میباید که به گاراژ میسیدار اکتانبر شرکت سافربری به انجمن جوانان مسلمان تلفن زد میاید. این بار صبح چهارشنبه که تلفن میزنند، انجمن در تصرف سپاه پاسداران بود!

داشترجوان که از قبل انتظار ورود محموله را داشتند، برای دریافت نشریه به گاراژ مراجعه میکنند. اما مسئولین گاراژ میگویند: ... اسلحه آمدند و بردند. ... برادران دانشجو به سپاه مراجعه میکنند، اما همما با انگز روبرو میشوند. وقتی به یکی مسئولین با اصوات برادران روبرو میشوند میگویند: پیش ما نیست ما گز میخواستیم بدیم، میگفتیم صد میجویم دیگر لزومی نداشت بگویم نزد ما نیست ...

شهید دزدی سارقین سیاسی !!

از درک و ارائه مادیترین معامم انقلابی اسلام عاجز است، و انقلاب جبار را با قدرمکتی علیه انقلابیون سرکوب نظامی ملیتپهائی تحت ستم عوضی گرفته، یک تنه بدعی اسلام و انقلاب و مجاهدبودن است. گروهکی که دقیقاً برای کوبیدن راه مجیدتشریف

شهیدی ایرانیان، به میدان آمده است. در اعلامیه آنها میخوانیم: نوع ارتجاع و انگل صفی را ضاهدم. شاد بزم انقلاب نسومی اظهار وجود باشد.

کسانی که در ۳ خرداد یعنی سالروز شهادت پنهان گذاران سازمان مجاهدین خلق دم فروستند و سکوت را ترجیح داده اند اکنون برای شهیدی که شاکرد خلق همان پنهان گذاران میباشد سینه چاک میهند و اداه دهندگان راه او را "ساقی" می نامند!

آیا می توان به خون میدی رضائی و محمد مهدی ... مصادفانه احترام گذاشت و برادران هسنگری را درودید و شکسته کرد؟ و بعد هم ابرواق بازجویی زیر شکنجهائی را بعنوان سند جاسوسی چاپ و پیش کرد و آنهم با سانسور و تحریف؟ گروهکی که از همان آغاز تولد خود شیوههای دیگر را تهدید به اسلحه کشی و قدرمندی کرد. این باصلاح سازمان که اساساً به خاطر شدت با مجاهدین بوجود آمد، میخواست با سیرات خواری از نام و شهیدی سازمان مجاهدین سر بانه گذاری کند اما گروهکی که در تمام دوران حیات (۱۰-۱۵ ماهها) از بدو تولد تا کنون) کارش تنها جنگ افروزی و مدور فحش نامه علیه انقلابیون و بوزو مجاهدین بوده است. جماعتی که بی شک دردی عمل کشی است

هجوم مسلحانه ... بقیه رمنه ۳ دفاع کردن از خودشان هراس و وحشتی داشته باشند و یا احساس ناانوسی بکنند. با اینهمه ما واقفا دلمان می خواهد و آرزو می کنیم که چنین چیزهایی اتفاق نیفتد و مقامات مسئول سلکت این مسئله را بیگیری و حل کنند. بالاخره سلکت طبقاتی مسئول دارد، نیروهای انتظامی دارد، کما اینکه اگر خدای نکرده یک تیری از جانب ما شلیک شود آنگوت تمام مسئولین پهدا می شوند، ما را به محکه می کشند، به دادگاه می کشند، ولی نمی دانم چرا در مقابل این حوادثی که عصبان ما صورت میگیرد، هیچ واکنشی و تبلیغ سولیتوی، بخرج دیده نمی شود. بهر حال بازهم امیدواریم که واکنش درستی نشان داده بشود. بخصوص از تمام نیروهایی که نگران آزادیها هستند، می خواهیم که بدفاع بپیروند. صدایشان را بلند کنند تا همه بتوانیم در یک محیط سالمی زندگی کنیم. در پایان چند نفر از خبرنگاران سوالاتی در رابطه با حمله به مرکز امداد پزشکی مطرح نمودند که توسط برادر مجاهد موسی خیابانی پاسخ دادند.



آرزوی ما این مجاهدان دلاور نامکوت شب را شکستند و قهرمانانه شهید شدند جزیه حاکم کجا بود؟